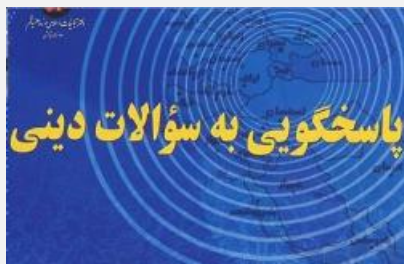


عوامل ظهور امام زمان (ع) چیست؟

آمادگی مردم از علل و عوامل مهم ظهور می باشد. یعنی عموم مردم خواستار آن حضرت باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی ایشان مهیا باشد و به عبارت دیگر باید قابل تغییر غیبت آن حضرت را برطرف نمود.



آمادگی مردم از علل و عوامل مهم ظهور می باشد. یعنی عموم مردم خواستار آن حضرت باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی ایشان مهیا باشد و به عبارت دیگر باید قابل تغییر غیبت آن حضرت را برطرف نمود.

به گزارش خبرگزاری مهر، عوامل ظهور هر آن چیزی است که در ظهور امام زمان (عج) نقش دارد و از علل ظهور آن حضرت محسوب می گردند و در باره آن باید گفت: هر چند عامل اصلی ظهور امام زمان (ع) «اراده الهی» است ولی آنچه که انسانها به عنوان زمینه سازی ظهور می توانند انجام دهند ایجاد آمادگی در خودشان است؛ چون هر انقلاب و نهضتی که برای هدف معینی به وجود می آید، در صورتی پیروز است که زمینه های آن از هر جهت فراهم باشد، در غیر این صورت انقلاب با شکست روبرو خواهد شد.

قیام امام زمان (عج) از این قاعده مستثنی نیست و در صورتی می تواند پیروز شود که شرایط آن فراهم گردد. [۱] پس آمادگی مردم از علل و عوامل مهم ظهور می باشد. یعنی عموم مردم خواستار آن حضرت باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی ایشان مهیا باشد و به عبارت دیگر باید عوامل اختیاری و قابل تغییر غیبت آن حضرت را بر طرف نمود.

توضیح اینکه؛ بر اساس آنچه در روایات، در باره عوامل غیبت آمده برخی از آنها در اختیار ما و قابل تغییر نیست مانند:

۱- بیعت کسی بر عهده آن حضرت نباشد [۲].

۲- محافظت ایشان از خطر کشته شدن [۳].

۳- آزمایش الهی [۴].

۴- علل ناشناخته: چنانکه بعضی از روایاتها بیانگر این نکته اند که امامان معصوم از علت اصلی غیبت آگاهند، اما مأمور به بیان آن نیستند؛ لذا سر بسته و به طور اجمال حکمت هایی از آن را بیان کرده اند؛ دلیل این ادعا روایت عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق (ع) است که امام به وی فرمود: برای صاحب امر غیبتی است که چاره ای از آن نیست. هر مبطلی در آن شک می کند. به او گفتم: فدایتان شوم، (غیبت) برای چیست؟ فرمود: برای امری که اجازه کشف آن را برای شما نداریم. گفتم: حکمت غیبت او چیست؟ فرمود: حکمت غیبت او همان حکمت غیبت حجت های خداوند قبل از او است. حکمت آن کشف نمی شود مگر بعد از ظهور او. همان طور که حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر و برپایی دیوار توسط حضرت خضر (ع) برای حضرت موسی (ع) کشف نشد مگر هنگام جدایی آن ها. [۵]

روشن است که این عوامل در اختیار انسانها نیست تا بتوانند تغییر دهند.

اما برخی دیگر از عوامل غیبت قابل تغییر است چنانکه در برخی از توقیعات شریفه به این مسأله اشاره شده است که، بی وفایی مردم و گناهان آنان زمینه ساز غیبت حضرت حجت شده است.

اگر خداوند به شیعیان ما توفیق همدلی در وفای به عهده ای که بر ایشان است عنایت می فرمود: مبارکی دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد و در سعادت مشاهده ما با معرفتی شایسته و درست شتاب می شد. و چیزی ما را از ایشان محبوس نکرده است مگر اعمال ناخوشایند و ناپسندی است که از آن ها به ما می رسد. [۶]

مضمون این توقیع آن است که بی وفایی شیعیان نسبت به عهد و پیمان با آن حضرت موجب طولانی تر شدن غیبت و حرمان از وصال شده است، پس همدلی شیعیان در وفای به عهد [آن حضرت] می تواند عاملی برای تعجیل در ظهور باشد [۷]؛ علاوه بر این مطالب باید توجه داشت که مردم در عصر غیبت، افزون بر تکالیف عمومی، در خصوص مسأله غیبت وظایفی بر دوش دارند که با انجام آنها ضمن وصول به اجر و ثواب، گام هایی نیز در زمینه ظهور برخوردارند داشت، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف: صبر:

در روایتی امام رضا (ع) می فرماید: چه قدر نیکو است صبر و انتظار فرج. آیا نشنیدی این سخن خداوند را که: فارتقبوا ائی معکم رقیب. و این سخن او که: فانتظروا ائی معکم من المنتظرین. «منتظر باشید من هم با شما در انتظارم». همانا فرج پس از

ناامیدی می‌آید و کسانی که قبل از شما بودند صبورتر از شما بودند. [۸]

تعبیر «علیکم بالصبر» صراحت دارد، در این که وظیفه شیعیان در عصر غیبت، صبر بر فراق است. البته روشن که صبر بمعنای استقامت داشتن در اعتقاد و عمل و طی نمودن خط و مکتب آن حضرت است.

ب: انتظار:

هر چند از روایت بالا وظیفه انتظار نیز به خوبی معلوم می‌شود، ولی درباره انتظار باید گفت: پیامبر و ائمه اطهار با تأکید بسیار بر این امر پای فشرده‌اند؛ در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم که فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است [۹]. علی(ع) در پاسخ کسی که از وی پرسید: کدام عمل نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: انتظار فرج. [۱۰]

در روایت دیگری امام صادق(ع) می‌فرماید: نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند و راضی‌ترین چیز نزد او این است که هرگاه حجت خدا از آن‌ها پنهان شود و برایشان ظاهر نشود و از آن‌ها پوشیده شود و مکانش را ندانند در این هنگام صبح و شام منتظر فرج او باشند [۱۱].

پر واضح است که انتظار بر دو قسم است: انتظار تکوینی و انتظار تشریحی. در انتظار تکوینی، منتظر بودن بیش‌تر به شکل منفی و همراه با سستی صورت می‌گیرد، اما انتظار تشریحی، پویا و همراه با علم و عمل است. مؤید این سخن، کلام امام سجاد(ع) است که می‌فرماید: منتظران ظهور او برترین اهل هر زمانند؛ زیرا خداوند متعال به آنها عقل و فهم و شناختی عطا فرموده است که غیبت در نزد آنان به منزله مشاهده گردیده است. و آنان را در آن زمان به منزله مجاهدان با شمشیر در پیش روی رسول خدا(ص) قرار داده است. آنان حقیقتاً خالص اند و شیعیان راستین و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان آشکارند. [۱۲]

منتظر واقعی در بعد علمی، آن چنان معرفتی دارد که غیبت برای او همانند مشاهده است؛ یعنی در شناخت امام زمان خود، شک و تردید ندارد و در بعد عملی آشکارا و نهان به دعوت و تبلیغ مشغول است.

اگر منتظر منفی دست بر دست می‌گذارد و به بهانه این که کاری از ما ساخته نیست و کاری برای زمینه سازی ظهور نمی‌کند، منتظر مثبت شب و روز بر علم و معرفت و عمل خود می‌افزاید، خود را آماده ظهور می‌نماید، و تلاش دارد تا خود را از سنخ منتظر کند.

چکیده سخن آن که در انتظار مثبت ایمان به غیب، گرایش به عدالت، تنفر از ظلم، اعتراف به حق و دعوت به خیر و صلاح نهفته است.

ج: دعا:

در برخی روایات عمده‌ترین وظیفه عصر غیبت را دعا دانسته‌اند؛ از جمله در توقیع اسحاق بن یعقوب که به وسیله محمد بن عثمان دریافت شده است، فرمود: برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید... [۱۳]

د: انقطاع

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم که فرمود: همانا این امر (ظهور مهدی (عج) نمی‌آید شما را مگر پس از ناامیدی». [۱۴] و در روایت دیگری امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: همانا فرج پس از ناامیدی می‌آید و کسانی که پیش از شما بودند صابرتر از شما بودند [۱۵].

این بدان معنا است که تا بشریت چشم امید به قدرت‌های غیرالهی داشته باشد، عطش عدالت مهدوی در او وجود ندارد و آن گونه که بایسته و شایسته است، مهدی‌جو و مهدی‌خواه نخواهد بود. شاید بهمین جهت یکی از نشانه‌های آغاز انقلاب امام زمان، فراگیری ظلم و جور در جهان بیان شده است و این مطلب را از دو راه می‌توان ثابت کرد:

۱- پیامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را، نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کرده‌اند، فرموده است: زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، چنان که از ظلم و جور پرگردد. [۱۶]

۲- فشار و اختناق هرگاه از حد بگذرد، مایه انفجار می‌گردد. انفجارهای اجتماعی، مانند انفجارهای مکانیکی است که در درجه معینی از فشار، انفجار رخ می‌دهد. و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحاکان زمان، انقلاب را نزدیک‌تر می‌کند، و در نتیجه

بذرهای انقلاب را آبیاری می‌نماید، تا لحظه‌ای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد. البته همانگونه که باید توجه داشت که صرف گسترش فساد کافی نیست بلکه رشد آگاهی هم در این زمینه لازم است.

مقصود از بالا رفتن سطح آگاهی، این است که انسان‌ها، به موقعیت و ارج وجود خود پی‌برند، و تحمل ظلم و فساد را زندگی‌نگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست. آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود، و ستم قدرت‌های طاغوتی، بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طوق گوناگون، در آبیاری آن بکوشند. ناگفته پیداست، تا زمانی که در توده‌ها چنین آگاهی پدید نیاید، و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند، و امکانات خود و طرف را درست نسنجند، انقلاب کوری رخ می‌دهد که نمی‌تواند، مصالح مردم را تضمین کند.

به عبارت روشن‌تر: برای تحقق یک انقلاب، تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست، بلکه علاوه بر این، آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است، بپردازند. در غیر این صورت، سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود، در روح جامعه لانه می‌گزیند، و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی‌کند. و با تمسک به منطق «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، و یا «هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون ببرد»، «من چه کار به کار دیگران دارم» و امثال این جملات، وضع موجود را که توأم با یک نوع راحت‌طلبی است، بر قیام و انقلاب و تحمل زندان و شکنجه و قتل و اعدام ترجیح می‌دهد [۱۷].

علاوه اینکه برای تحقق قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، یک ارتش مهیا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه‌السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد. از این جهت باید در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض، افراد فداکاری پرورش یابند، تا پیام‌آور بهار عدالت باشند این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند، و جانباز و فداکار باشند.

بخ طور خلاصه، گسترش فساد و ظلم، اگر منجر به «انظلام» -یعنی پذیرش ظلم و ستم- بشود، هیچ‌گاه زمینه‌ی قیام علیه آن نخواهد شد. بلکه تنها در صورتی مفید است که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عدالت و نیکی باشد. بدیهی است که این مقدمه نیز هیچگاه عملی نخواهد شد، مگر زمانی که مردم، بدی ظلم را بدانند. و در برابر آن، مظاهر صلاح و تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند. و تنها راه این شناخت، دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است.

احادیث فراوانی داریم که گروهی در زمانهای مختلف با حرکت‌های اصلاح‌گرانه در جوامع بشری، زمینه ساز ظهور حجت خواهند بود. این احادیث در برخی از کتب گرد آمده است. [۱۸]
ما به یکی از این احادیث اشاره می‌کنیم: صاحب کشف الغمه از پیامبر(ص) نقل می‌کنند که فرمود: «مردمی از مشرق خروج می‌کنند و برای حضرت مهدی زمینه سازی می‌کنند.» [۱۹].
ه- تقوی و دوری از گناه: در احادیثی که پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)، وظایف منتظران را معین کرده‌اند، همه جا سخن از تقوی، ورع، عفاف، صلاح، سداد، دوری از گناه و قرب به خداست. به عنوان نمونه، امام صادق(ع) فرمود:

هر کس خوشنود می‌شود که از اصحاب قائم علیه‌السلام باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور حضرتش بمیرد، اجر او مانند کسی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است. پس (در جهت نیکی‌ها) بکوشید و منتظر باشید. (این انتظار) گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده. [۲۰]

علمای گذشته ما، درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتاب‌هایی مستقل نوشته یا فصولی از کتب خود را اختصاص داده‌اند، مانند: کتاب «نجم الثاقب» تالیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۷)، دو کتاب «مکیال المکارم» و «وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان» تالیف مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۸). در این کتابها و مشابه آنها تنها بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام به عوامل ظهور و وظایف منتظران اشاره شده است، البته از نظر عقلایی نیز می‌توان گفت: تشکیل حکومت جهانی با آن عظمت و شکوه، به صورت دفعی هر چند محال نیست، اما دلیل عقلی یا نقلی معتبر بر چنین وقوعی نداریم. هر چند ممکن است خود ظهور به دلیل عدم توقیت، به طور «بغتة» و ناگهانی صورت گیرد، اما قطعاً نمی‌توان گفت بدون هیچ زمینه‌ای انجام می‌شود.

شهید مطهری می‌نویسد: بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولت‌های شیعی معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود ادامه خواهد یافت، همان سلسله مورد نظر باشد. [۲۱]

این سخن بیانگر آن است که علمای شیعه به حکومت زمینه ساز عقیده داشته‌اند و این یک امر طبیعی است، چرا که وقتی انسان منتظر مهمان عزیزی باشد سعی می‌کند قضا و مکان و استقبال کنندگان را در حد امکان، با مقام فرد منتظر کاملاً همانند کند. چگونه ممکن است فرد منتظر، در انتظار کسی باشد که به دلیل اجرای عدالت، پیاده کردن احکام الهی و جلوگیری

از فحشا، محکوم دادگاه او و طعمه شمشیر وی باشد؟

آیت الله مکارم شیرازی نیز، درباره آمادگی‌های لازم برای حکومت جهانی می‌نویسد: برای این که دنیا چنان حکومتی را پذیرا باشد، چند نوع آمادگی لازم است:

۱ - آمادگی فکری و فرهنگی: یعنی سطح افکار مردم جهان آن چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسأله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسأله قابل توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگ‌ها و زبان‌ها و سرزمین‌ها نمی‌تواند بشر را از هم جدا سازد.

۲ - آمادگی اجتماعی: مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند، تلخی این زندگی مادی و یک بعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند.

۳ - آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی: بر خلاف آن چه بعضی می‌پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آینده از صلح و عدالت، تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان‌پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد. سپس می‌افزاید معجزه، استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی؛ نه برای اداره همیشگی نظام جامعه. [۲۲]

۴ - آمادگی‌های فردی: حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را به دوش بکشد.

این در درجه اول نیاز به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای پیاده کردن آن برنامه عظیم نیاز دارد. منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد. [۲۳]

.....

[۱] ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۹۴، زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام، محمد فاکر میبیدی.

[۲] رک: صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۳۳۴.

[۳] رک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۷.

[۴] همان، ص ۹۸. [۵] «ان لصاحب الامر غیبة لا بد منها، یرتاب فیها کل مبطل، فقلت له: و لم جعلت فداک؟ قال لامر لم یؤذن لنا فی کشفه لکم، قلت: فما وجه الحکمة فی غیبة؟ فقال: وجه الحکمة فی غیبة وجه الحکمة غیبات من تقدمه من حجج الله تعالی ذکره، ان وجه الحکمة فی ذلک لا ینکشف الا بعد ظهوره، کما لا ینکشف وجه الحکمة لَمَّا أتاه الخضر(علیه‌السلام) من خرق السفینة، و قتل الغلام و اقامة الجدار، لموسی (علیه‌السلام) الا وقت افتراقها». رک: همان، ص ۹۱، و ۱۱۳.

[۶] «و لو ان اشیاعنا وفقهم الله علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم، لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا، علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نؤثره منهم». رک: همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷، و الزام الناصب، ج ۲، ص ۴۶۷

[۷] «لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا». در سعادت دیدار ما شتاب می‌شد

[۸] «ما احسن الصبر و انتظار الفرج، اما سمعت قول الله تعالی «فارتقبوا انی معکم رقیب» و قوله عزوجل: «فانتظروا انی معکم من المنتظرین، فعلیکم بالصبر، فانه انما یجییء الفرج علی الیأس و قد کان الذین من قبلکم اصبر منکم». همان، ج ۵۲، ص ۱۲۹

[۹] «افضل اعمال امتی انتظار الفرج». همان، ص ۱۲۲

[۱۰] «ای الاعمال احب الی الله عزوجل؟» فقال: «انتظار الفرج». همان

[۱۱] «اقرّب ما یکون العبد الی الله عزوجل و ارضی ما یکون عنه اذا افتقدوا حجة الله فلم ینظر لهم و حجب عنهم فلم یعلموا بمکانه... فعندها فلیتوقعوا الفرج صباحا و مساءً». همان، ص ۹۵

[۱۲] «المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان، لان الله تعالی ذکره، اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغیبة عند هم بمنزلة المشاهدة، و جعلهم فی ذلک الزمان بمنزلة المجاهدين بین یدی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بالسيف، اولئک المخلصون حقا، و شیعتنا صدقا، و الدعاة الی دین الله سرا و جهرا» همان، ص ۱۲۲

[۱۳] «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فان ذلک فرجکم». الاحتجاج ج ۲ ص ۴۷۱.

[۱۴] «ان هذا الامر لایأتیکم الا بعد ایاس...» رک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.

[۱۵] «فانه انما یجییء الفرج علی الیأس و قد کان الذین من قبلکم اصبر منکم». رک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹ و ۱۱۰.

[۱۶] «یملا الارض قسطاً و عدلا کما ملئت ظلما و جورا». الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۹.

[۱۷] باید توجه نمود که مدت‌هاست که فساد، جهان را فرا گرفته است. فساد ابر قدرت‌ها در بسیاری از مناطق جهان بویژه آفریقا و آسیا- به شدیدترین وضع رسیده است. از روزی که غرب، اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده، هر روز در نقاط مختلف جهان، بر مظالم خود افزوده و میلیون‌ها نفر را در بند کشیده است. تنها بررسی وضع کشورهای استعمارزده آفریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است.

[۱۸] برای اطلاعات بیشتر ر. ک: کامل سلیمان، روزگار رهای. ؛ ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، ص ۱۰۳۴ الی ۱۰۶۲.
[۱۹] كشف الغمة فی معرفة الائمه، ج ۳، ص ۲۶۷ معجم احادیث الامام المهدي، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۳۸۷.

[۲۰] «من سره ان يكون من اصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر. فان مات وقام القائم بعده، كان له من الأجر مثل أجر من أدركه. فجدوا وانتظروا هنيئاً لكم ايها العصابة المرحومة». بحارالانوار، ۱۴۰/۵۲، به نقل از غيبت نعماني.

[۲۱] ر. ک: مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۸.

[۲۲] مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام ص ۸۰ تا ۸۳.

[۲۳] همان، ص ۱۰۰

منبع: اسلام کوئست